



مجله حقوق

دوفصلنامه

دوره ۴، شماره ۹، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

بررسی راهکارهای حقوقی استخراج و معامله ارزهای دیجیتال و رمز پایه (مجازی):

خلأهای حقوقی و راهکارهای پیشنهادی * شیما نادری، مجید مطلبی

و اکاوی مبانی فقهی فور و تراخی در اخذ به شفعه * مرتضی رحیمی

دستاوردها و چالش های تعدد و تکرار جرم در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری

مصوب ۱۳۹۹ با رویکرد کاربردی * ابوالفتح خالقی، زهرا میرزانی

آثار قرارداد انتقال تکنولوژی در حقوق ایران * افشین مجاهد

تبیین اصل اطلاع رسانی در پرتو آیین رضایت قبلی کنوانسیون روتردام ۲۰۰۳

* محمد مبینی فر، مرضیه فتحی برناچی

جایگاه کمیسیون های حل اختلاف در دعاوی فی مابین سپاه پاسداران انقلاب و شهرداری تهران

* محمدرضا یزدی، مجتبی سالک رازی

آثار و شرایط اعاده دادرسی در حقوق ایران و فرانسه * سید جعفر هاشمی باجگانی، محمدرضا بوربور

آثار فسخ نکاح در حقوق ایران، فرانسه و انگلستان * میثم سبحانی

تحلیل ساختار حقوق کودک در ایران: بررسی مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک بر مبنای

پیمان نامه جهانی حقوق کودک * مریم شعبان

رابطه توهین و آزادی بیان در پرتو قانون مجازات اسلامی و قانون مطبوعات * امیرحسین قضائی علمداری

اصول و قواعد حاکم بر اخلاق حرفه ای در شغل وکالت * رستم علی اکبری، یاسر شاکری

تکثرگرایی دینی در قانون مجازات اسلامی * محسن حمیدی پور

آثار و شرایط دادرسی غیابی در حقوق ایران و فرانسه * سید جعفر هاشمی باجگانی، مصطفی افضلی گروه

مسئولیت کیفری دولت ها در قبال جرایم محیط زیستی در پرتو همکاری های منطقه ای و بین المللی * سجاد طیبی

تحلیل عملکرد دیوان بین المللی دادگستری در پرونده نقض عهدنامه مودت ۱۹۵۵ میان جمهوری اسلامی ایران

و ایالات متحده آمریکا * محمد ستایش پور، عیسی پودات

چالش های فلسفی، مفهومی تروریسم در مواجهه با حقوق بشر * نوروز کارگری

تحلیل اقتصادی آثار جاتی ناشی از استفاده اموال با مطالعه حقوق ایران * یداله دادگر، اکرم احسانی

کارکردها و چالش های میانجیگری در ایران (با نگاهی به برخی از کشورهای اروپایی و اسناد بین المللی)

* سید عباس موسوی

حریم خصوصی در نظام حقوقی ایران و اسلام * علی اکبری، مهدی فلاحیان

حقوق زندانیان از منظر فقه امامیه و حقوق ایران با نگاهی به اسناد بین المللی * غلامرضا ایزدپناه، وجیهه ایزدپناه

تحلیل ترور دانشمندان هسته ای ایران از منظر حقوق داخلی و بین الملل * محمدخلیل صالحی، محمد سلمانی فرهمند

آثار قرارداد بیعه عمر از منظر فقه امامیه و حقوق ایران * سید سجاد خالونی تفتی

حمایت از قضات ادارات در عصر سیاسی سازی: ارزیابی استقلال قضائی و ثبات رأی در دادرسی اداری * رضا طجرجلو،

محمدجواد شفق، فاطمه مافی

حقوق بزه دیدگان و بزه کاران در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه: نقدها و چالش ها * صادق فتیلی، ابراهیم مقدم

بررسی و تحلیل تعهد به رعایت احتیاط در حقوق کامن لا * رضا حسین گندمکار، فرزاد کریمی کلمتی

مطالعه تطبیقی ارزیابی هزینه جرم در حقوق کیفری و فقه شیعه * اسماعیل کشکولیان، مهدی نقوی

در آمدی بر نظریه شخصیت حقوقی در فقه امامیه * سید علیرضا امین

بررسی ارکان مسئولیت مدنی شهرداری ها در رویه قضائی * سید وحید میرنظامی، فائزه بهادر

جبران خسارت محکومان بی گناه در حقوق ایران و آمریکا * احمدرضا کنارکوهی، سلامه ابوالحسنی

اهمیت ایجاب در قانون مدنی ایران و اصول قراردادهای تجاری بین المللی * مرتضی جوان سرند



The Position of Dispute Resolution Commissions in Lawsuits between the Islamic Revolutionary Guard Corps and Tehran Municipality

جایگاه کمیسیون‌های حل اختلاف در دعاوی فی‌مابین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و شهرداری تهران

محمد رضا یزدی

Mohammadreza Yazdi

Assistant Professor of Law, Imam Hossein University, Tehran, Iran

استادیار گروه حقوق، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران

rezayazdi42@gmail.com

مجتبی سالک رازی

Mojtaba Salek Razi

Master of Private Law, Imam Hossein University, Tehran, Iran
(Corresponding Author)

کارشناس ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران (نویسنده

مسئول)

mojtaba.salek.razi@gmail.com

2944https://orcid.org/0000-0003-0626-

Abstract

One of the great institutions of the Islamic Revolution, which due to its presence in all neighborhoods and regions can have the most contact with the city apparatus, is the Revolutionary Guards and the Basij. At present, the responsibility of directing, organizing and commanding these bases, districts and areas is assigned to the Tehran Revolutionary Guards, and since the issues of administrative sovereignty of the city, including transactions and contracts related to the municipality, construction, waste, green space, maintenance of places In the metropolis, the municipality of Tehran is responsible for examining the relationship between these two institutions and it is necessary to use quasi-judicial systems, including the Article 38 Commission of the municipality in disputes between the IRGC and the municipality of Tehran can reduce any tensions in the city. And expedite the activities of both institutions. The Commission deals with disputes that are, firstly: disputes between the municipality and individuals (both natural and legal). Second: This dispute is related to the contract concluded between the municipality and the person of the contract party. Third: This contract is related to transactions that originate from the municipal transaction regulations and are related to the said regulations. Despite the fact that the above commission has judicial characteristics, but it is among the quasi-judicial authorities. Since sometimes the military organs, especially the Revolutionary Guards, are parties to the contract of municipalities, including the municipality of Tehran, to discuss the contract in the field of property and contracting, so examining how to resolve.

Keywords: Islamic Revolutionary Guard Corps, Article 38 Commission, Municipality, Contract Disputes, Contractors.

چکیده

یکی از نهادهای بزرگ انقلاب اسلامی که به واسطه حضور خود در کلیه محلات و مناطق می‌تواند بیشترین ارتباط با دستگاه‌های شهری داشته باشد. سپاه پاسداران و بسیج است. در حال حاضر مسئولیت هدایت، ساماندهی و فرماندهی این پایگاه‌ها، حوزه‌ها و نواحی بر عهده سپاه پاسداران تهران گذاشته شده و از آن‌جایی که مباحث حاکمیت اداری شهر اسم از معاملات و قراردادهای مربوط به شهرداری، ساخت و ساز، پسماند، فضای سبز، نگهداری اماکن و... در کلاس شهر بر عهده شهرداری تهران می‌باشد، بررسی ارتباط این دو نهاد امری ضروری بوده و بهره‌گیری از سیستم‌های شبه قضائی از جمله کمیسیون ماده ۳۸ شهرداری در موضوعات اختلافی فی‌مابین سپاه تهران و شهرداری تهران می‌تواند باعث کاهش هرگونه تنش در شهر و تسریع در انجام فعالیت‌های هر دو نهاد گردد. کمیسیون به اختلافاتی رسیدگی می‌کند که اولاً: اختلاف فی‌مابین شهرداری و اشخاص (اعم از حقیقی و حقوقی) باشد. ثانیاً: این اختلاف مربوط به قرارداد منعقد فی‌مابین شهرداری و شخص طرف قرارداد باشد. ثالثاً: این قرارداد مربوط به معاملاتی باشد که از آیین‌نامه معاملات شهرداری نشأت گرفته و مربوط به آیین‌نامه مزبور باشد. علیرغم این که کمیسیون فوق دارای خصوصیات قضائی می‌باشد، لکن در زمره مراجع شبه قضائی قرار می‌گیرد. از آن‌جایی که برخی مواقع ارگان‌های نظامی خصوصاً سپاه پاسداران برای بحث قرارداد در زمینه‌های ملکی و پیمانکاری طرف قرارداد شهرداری‌ها از جمله شهرداری تهران هستند، لذا بررسی نحوه حل اختلاف فی‌مابین شهرداری و سپاه پاسداران از اهمیت بسیاری برخوردار بوده که در این پژوهش به آن می‌پردازیم.

واژگان کلیدی: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، کمیسیون ماده ۳۸

شهرداری، اختلاف قراردادی، پیمانکاران.

Received: 2021/08/06 - Review: 2021/09/18 - Accepted: 2021/11/17

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۵/۱۸ - بازنگری مقاله: ۱۴۰۰/۰۶/۲۷ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۸/۲۶

ارجاع:

یزدی، محمدرضا؛ سالک رازی، مجتبی؛ (۱۴۰۰)، جایگاه کمیسیون‌های حل اختلاف در دعاوی فی‌مابین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و شهرداری تهران، تمدن حقوقی، شماره ۹.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

جمهوری اسلامی ایران برای برقراری نظم، حفظ امنیت و دفع تهدیدات داخلی و خارجی و دستیابی به اهداف و آرمان‌های خود نیروهای مسلحی را فراهم نموده است که از جمله آن‌ها می‌توان به ارتش، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بسیج و نیروی انتظامی اشاره کرد که هر یک وظایف و مأموریت‌های مشخصی را در نظام جمهوری اسلامی ایران به عهده دارند. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نهادی است تحت فرماندهی عالی مقام معظم رهبری که هدف آن نگهداری از انقلاب اسلامی ایران و دستاوردهای آن و کوشش مستمر در راه تحقق آرمان‌های الهی و گسترش حاکمیت قانون خدا طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران و تقویت کامل بنیه دفاعی جمهوری اسلامی از طریق همکاری با سایر نیروهای مسلح و آموزش نظامی و سازماندهی نیروهای مردمی می‌باشد.

بر این اساس، در کلانشهر تهران به عنوان پایتخت ایران، دستگاه‌ها و نهادهای اجرائی فراوانی حضور دارند و به واسطه این حضور و همزیستی کنار یکدیگر، موارد حقوقی فراوانی بین این دستگاه‌ها متصور می‌باشد و مسئولین این دستگاه‌های اجرائی به جهت حضور در این کلانشهر و مسئولیت‌های پیرامون خود می‌بایست ارتباطاتی با دستگاه‌های اجرائی دیگر نیز داشته باشند. شهرداری تهران از جمله نهادهای عمومی حاکمیتی در پایتخت می‌باشد که همواره در جهت پیشبرد اهداف خود که شامل خدمت‌رسانی مناسب به شهروندان تهران می‌باشد، در تصرفات و یا تملک زمین‌ها و املاک اقدام به انعقاد قرارداد می‌کند و در این بین بعضاً به علت عدم دقت کامل در تهیه قراردادها و یا مشکلات مالی ایجاد شده، دچار اختلاف قراردادی شده و این

امر می‌تواند باعث ایجاد پرونده‌های قضائی در محاکم شود. در این راستا کمیسیون ماده «۳۸»^۱ شهرداری پایتخت مصوب ۱۳۵۵ به حل اختلاف میان کلیه پیمانکاران و شرکت‌ها و سازمان‌های طرف قرارداد با شهرداری تهران می‌پردازد. وقتی شرکت‌ها و سازمان‌ها در اجرای قرارداد اختلافی با شهرداری تهران داشته باشند، شکایت‌شان به کمیسیون ماده ۳۸ ارجاع داده می‌شود.

وفق قانون اصلاح و تسری ماده ۳۸ آئین‌نامه معاملات شهرداری پایتخت مصوب ۱۳۵۵ به شهرداری‌های مراکز استان‌ها و شهرهای بالای یک میلیون نفر جمعیت، رسیدگی به دعاوی و اختلافات ناشی از قراردادها و معاملات شهرداری‌های مراکز استان‌ها و شهرهای بالای یک میلیون نفر جمعیت با اشخاص حقیقی و حقوقی به هیأتی متشکل از نمایندگان شورای شهر، فرمانداری و قاضی دادگستری که صدور حکم هم با عضو قضائی می‌باشد، محول گردیده است. بنابراین یکی از چالش‌هایی که در رسیدگی به دعاوی مطروحه شهرداری‌ها علیه اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی و اشخاص علیه شهرداری‌ها وجود داشته، مربوط به آن دسته از اختلافاتی بوده که ناشی از معاملات موضوع آئین‌نامه معاملات شهرداری‌ها می‌باشد. به عبارت دیگر، آئین‌نامه معاملات شهرداری تهران یکی از اسناد معاملاتی پرکاربرد در سطح کشور است.

در خصوص کمیسیون ماده ۳۸ شهرداری تفسیرهای متعددی از سوی حقوقدانان و مراجع قضائی به عمل آمده و عدم تبیین موضوع و تشتت آراء می‌تواند به تضییع حقوق طرفین منجر شود. با توجه به تنوع، کثرت و مبالغ کلان معاملاتی که شهرداری بر عهده دارند و قراردادهایی که در این رابطه بین اشخاص اعم از حقیقی و یا حقوقی منعقد می‌گردد، اختلاف ناشی از معاملات و نحوه رسیدگی در هیأت حل اختلاف و یا نحوه رسیدگی به اختلافات ناشی از معاملات در هیأت حل اختلاف اهمیت زیادی دارد. لذا این کمیسیون به لحاظ شکلی و ماهوی باید مورد بررسی قرار گیرد، خصوصاً این که قانون در خصوص ماهیت کمیسیون ماده ۳۸ شهرداری و آثار منتج آن ساکت است.

۱- مفهوم معاملات شهرداری و نیروهای مسلح

شهرداری، سازمانی محلی است که بر طبق اصل عدم تمرکز اداری به منظور اداره امور محلی از قبیل عمران و آبادی، بهداشت شهر و رفاه اهالی و ساکنان آن شهر تأسیس می‌شود و از دو واحد به نام

۱- ماده ۳۸: اختلافات ناشی از معاملات موضوع این آئین‌نامه که بین طرفین ایجاد می‌شود در هیأتی مرکب از نماینده شهرداری به انتخاب شهرداری پایتخت و نماینده انجمن شهر مطرح می‌شود و هیأت مذکور می‌تواند با طرف قرارداد توافق کند این توافق برای طرفین قابل اجرا و غیرقابل اعتراض خواهد بود. و در صورتی که اختلاف رفع نشود هر یک از طرفین می‌تواند به دادگاه صلاحیتدار مراجعه نماید.

شورای شهر و اداره شهرداری تشکیل شده که اولی، قوه ناظر و تصمیم گیرنده در شهر و دومی، مجری آن است. از شهرداری‌ها می‌توان به عنوان کامل‌ترین سازمان‌های عمومی نام برد. تصویب بسیاری از امور شهرداری از سوی شورای شهر و انجام خدمات محلی قابل ملاحظه مورد نیاز شهروندان از جانب شهرداری محرز می‌سازد که جایگاه شهرداری در میان سازمان‌های محلی جایگاهی قابل اعتناست (رستمی و عامری، ۱۳۹۵، ۱۵۰). برابر ماده «۵»^۲ قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶، مؤسسات عمومی غیردولتی تعریف شده‌اند.

شهرداری به عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر مدیریت شهری می‌تواند نقشی تأثیرگذار در ارائه خدمات عمومی و اداره پاره‌ای از امور محلی داشته باشد. نقش نهاد شهرداری در جریان مدیریت شهری درجات مختلفی دارد که از حاکمیت تام تا ایفای نقش‌های کم اهمیت متغیر است. درجه اهمیت و جایگاه شهرداری را قوانین و مقررات موضوعه نظام حقوقی تبیین می‌کنند. طبق بند ۳ ماده ۴۵ قانون شهرداری‌ها مصوب ۱۳۳۴ اصلاحی ۱۳۴۵/۱۱/۲۷ تصویب معاملات و نظارت در آن‌ها اعم از خرید و فروش، مقاطعه، اجاره و استجاره به نام شهر با در نظر گرفتن صرفه و صلاح و با رعایت مقررات آئین نامه مالی شهرداری‌ها پیش بینی شده در این قانون انجام می‌شود. همچنین در بند ۹ ماده ۵۵ اصلاحی ۱۳۴۲/۰۷/۱۳ انجام معاملات شهرداری اعم از خرید و فروش اموال منقول و غیرمنقول، مقاطعه، اجاره و استجاره پس از تصویب انجمن شهر با رعایت صلاح و صرفه شهرداری انجام می‌شود. در بند یک ماده ۵۴ قانون فوق‌الذکر نیز آمده از وظایف انجمن (شورای شهر) نظارت در حسن اداره و حفظ سرمایه و دارائی نقدی و جنسی، اموال منقول و غیرمنقول متعلق به شهر و همچنین نظارت در حساب درآمد و هزینه آن‌ها می‌باشد. اگر انجمن تفتیش دقیقی را در مخارج یا اقدام مهم شهرداری لازم بداند، کارشناس یا محاسبین متخصصی را موقتاً برای رسیدگی به آن کار استخدام می‌کند و حق الزحمه متناسبی به آن‌ها پرداخت خواهد کرد.

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از نهادهای نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران که مسئولیت تأمین امنیت، دفاع از کشور و انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن و نیز برقراری نظم و امنیت در کشور را به عهده دارند، بخشی از دولتمردان و مسئولین این نظام بوده و نقش مهمی در تحقق دولت اسلامی ایفا می‌کنند. نیروهای مسلح با انجام مأموریت‌هایی که به عهده آن‌ها گذاشته شده است،

۲- ماده ۵: مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی از نظر این قانون واحدهای سازمانی مشخصی هستند که با اجازه قانون به منظور انجام وظایف و خدماتی که جنبه عمومی داد، تشکیل شده و یا می‌شود. تبصره - فهرست این قبیل مؤسسات و نهادها با توجه به قوانین و مقررات مربوط از طرف دولت پیشنهاد و به تصویب مجلس شورای اسلامی خواهد رسید.

این مهم را به انجام می‌رسانند (رحمانی، ۱۳۹۶، ۴۷). هر حکومت و دولتی برای تأمین امنیت، حفظ استقلال و تمامیت ارضی و تأمین اهداف و آرمان‌های خود نیاز به نیروی‌های مسلح قوی، مقتدر و سازمان یافته دارد. جمهوری اسلامی ایران نیز پس از استقرار، برای برقراری نظم، حفظ امنیت و دفع تهدیدات داخلی و خارجی، دستیابی به اهداف و آرمان‌های خود نیروهای مسلحی را فراهم نموده است که از جمله آن‌ها می‌توان به ارتش، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بسیج و نیروی انتظامی اشاره کرد که هر یک وظایف و مأموریت‌های مشخصی را در نظام اسلامی به عهده دارند. بررسی بیانات و منظومه فکری رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) نشان می‌دهد که نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران از جایگاه و نقش مهمی در تحقق دولت اسلامی برخوردارند و باید خود را به عنوان بخشی از دولت اسلامی، مخاطب فرمایشات مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در تحقق دولت اسلامی بدانند.

۲- کمیسیون ماده ۳۸ آئین‌نامه معاملات شهرداری پایتخت مصوب ۱۳۵۵

شهرداری به موجب ماده ۵ قاتون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶ به عنوان یک مؤسسه و نهاد عمومی غیردولتی شناخته شده و در انعقاد قراردادهای عمومی ملزم به رعایت قوانین عام و علی‌الخصوص آئین‌نامه معاملات شهرداری پایتخت مصوب ۱۳۵۵ و اصلاحات بعدی آن می‌باشد. بر اساس ماده ۳۸ آئین‌نامه فوق‌الذکر اختلافات ناشی از معاملات موضوع این آئین‌نامه که بین طرفین ایجاد می‌شود در هیأتی مرکب از نماینده شهرداری به انتخاب شهردار تهران و نماینده انجمن شهر به انتخاب این انجمن مطرح می‌شود و هیأت مذکور می‌تواند با طرف قرارداد توافق کند. این توافق برای طرفین قابل اجرا و غیرقابل اعتراض خواهد بود و در صورتی که اختلاف رفع نشود هر یک از طرفین می‌توانند به دادگاه صلاحیتدار مراجعه نمایند. به عبارت دیگر هیأت حل اختلاف موضوع ماده ۳۸ اصلاحی آئین‌نامه معاملات شهرداری تهران وفق «قانون اصلاح و تسری آئین‌نامه معاملات شهرداری تهران مصوب ۱۳۵۵ با اصلاحات بعدی به شهرداری‌های مراکز استان‌ها، کلانشهرها و شهرهای بالای یک میلیون نفر جمعیت مصوب ۱۳۹۰» مرجع قانونی واجد صلاحیت برای رسیدگی به اختلافات موضوع آئین‌نامه معاملات شهرداری تهران و سایر شهرهای مشمول قانون فوق با اشخاص می‌باشد. از آنجائی که شهرداری‌ها به عنوان یک نهاد عمومی غیردولتی ملزم به ارائه خدماتی که جنبه عمومی دارند می‌باشند، به نظر می‌رسد هدف قانونگذار از تصویب چنین قانونی و ایجاد چنین کمیسینی، رسیدگی هرچه سریع‌تر به اختلافات فی‌مابین شهرداری و پیمانکاران طرف قرارداد بوده است تا ارائه خدمات معطل نماند (لطفی قلعه‌جوق، ۱۳۹۸، ۳۰).

از آنجائی که بر اساس قسمت اخیر ماده ۳۸ آئین‌نامه معاملات شهرداری مصوب ۱۳۵۵ در صورت عدم دسترسی به توافق، طرفین حق مراجعه به دادگاه‌ها جهت طرح دعوا را دارا بودند. لذا این امر مخالف هدف قانونگذار در تسریع رسیدگی به اختلافات شهرداری و طرف قرارداد بوده و به همین دلیل در سال ۱۳۹۰ اقدام به اصلاح ماده فوق گردید و علاوه بر اصلاحات انجام شده مقرر شد این آئین‌نامه علاوه بر شهرداری تهران به شهرداری مراکز استان‌ها و شهرهای بالای یک میلیون نفر جمعیت تسری یابد.

بر اساس اصلاحات انجام شده ماده ۳۸ آئین‌نامه معاملات بدین ترتیب تنظیم گردید: اختلافات ناشی از معاملات موضوع این آئین‌نامه در هیأت حل اختلاف با عضویت یک نفر قاضی دادگستری با انتخاب رئیس قوه قضائیه، یک نفر از اعضای شورای اسلامی شهر با انتخاب شورای مربوطه، نماینده شهرداری به انتخاب شهردار، نماینده بخشدار یا فرماندار حسب مورد و نماینده قانونی طرف قرارداد قابل رسیدگی و حکم صادره از طرف قاضی جلسه برای طرفین لازم‌الاجرا است. اختلافات حادثه از قراردادهائی که بعد از تصویب این قانون بر اساس آئین‌نامه معاملات شهرداری منعقد می‌گردند در کمیسونی مقرر در ماده ۳۸ رسیدگی خواهد شد. حتی اگر در قرارداد به این موضوع اشاره نشده باشد، چرا که این مرجع به عنوان یک مرجع اختصاصی قلمداد گردیده که صلاحیتش یک صلاحیت ذاتی می‌باشد.

۳- ماهیت حقوقی تصرفات نیروهای مسلح در اموال تحت تصرف خود

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران که طیف وسیع و گسترده ای از نهادها را دربرمی‌گیرند، بخشی از حکومت هستند که عهده دار اعمال حاکمیت در زمینه دفاع ملی می‌باشند. در حقوق اداری تمایز میان اعمال «حکومت به حاکمیتی-تصدی» بر اساس نظریه قدرت عمومی سبب شده است که اموال اشخاص عمومی نیز دارای ماهیتی دوگانه باشند. اموال عمومی که در اختیار اشخاص عمومی، از جمله دولت و مؤسسات دولتی و به عبارتی نیروهای مسلح، قرار دارد، اگر در زمینه اعمال حاکمیتی از آنها استفاده شود، با عنوان اموال ملی و اگر در عرصه اعمال تصدی مورد بهره‌برداری قرار گیرند، به عنوان اموال اختصاصی شناخته می‌شوند.

در نظام جمهوری اسلامی ایران، نیروهای مسلح به ستاد فرماندهی کل قوا، ارتش، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی انتظامی و وزارت دفاع و سازمان‌های وابسته اطلاق می‌شود. بر اساس قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶، به عنوان قانون مادر و مؤخر در زمینه ساختار اداری کشور، نیروهای نظامی سه گانه، شامل ارتش، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی انتظامی، مؤسسه دولتی محسوب می‌گردند. در حقیقت این نهادها بر اساس ذیل ماده ۲ این قانون که کلیه نهادهای مذکور در قانون اساسی را در حکم مؤسسه دولتی دانسته است، واحدهای سازمانی مشخصی هستند که به موجب

قانون ایجاد شده‌اند و با داشتن استقلال حقوقی، بخشی از وظایف و اموری را که بر عهده یکی از قوای سه گانه که در اینجا قوه مجریه است و سایر مراجع قانونی که در این جا رهبری است، انجام می دهند. ماده «۳»^۳ قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶ نیز مؤسسات دولتی را تحت نظر یکی از قوای سه گانه می‌داند. در توضیح می‌توان گفت: این نهادها یکی از وظایفی را که بر عهده قوه مجریه است، یعنی حفظ و حراست از مرزها و اعمال قدرت نظامی در مواقع ضرورت یا به تعبیری «دفاع ملی» بر عهده دارند؛ لذا بخشی از قوه مجریه به عنوان یکی از قوای سه گانه می‌باشند. با این حال وضعیت خاص آن‌ها و حساسیت نقش و جایگاه شان، قانونگذار را ناگزیر ساخته تا این نهادها را از هیأت دولت و رئیس جمهور منفک کند و با اعطای استقلال نسبی به آن‌ها و تحت فرماندهی رئیس کشور در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، یعنی رهبری، جایگاه آن‌ها را به عنوان یک مؤسسه دولتی که اعمال حاکمیت می‌نمایند، تبیین کند (کریمی و مختاری دستنائی، ۱۳۹۶، ۳۴۱).

با وجود این، یکی از ارکان نیروهای مسلح، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح است که مطابق ماده ۱ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶، واحد سازمانی مشخصی است که تحقق یک یا چند هدف از اهداف دولت را بر عهده دارد و به موجب قانون ایجاد شده و توسط وزیر اداره می‌گردد. ستاد فرماندهی کل قوا نیز ستاد فرماندهی معظم کل قوا در نیروهای مسلح است و معظم له را در اداره امور نیروهای مسلح یاری می‌کند. بنابراین، از آن‌جا که این ستاد یکی از نهادهای زیر نظر رهبری و یاری‌دهنده وی در اداره و راهبری امور نظامی است، لذا می‌توان گفت این ستاد نیز همچون نیروهای سه گانه، مؤسسه دولتی محسوب می‌شود که اعمال حاکمیت می‌کند و وظایف ستادی نیروهای مسلح را عهده‌دار است. در مجموع، با توجه به فلسفه تأسیس مؤسسات دولتی، باید آنان را در کنار وزارتخانه‌ها داخل در مفهوم دولت دانست. از این رو، قانونگذار همواره احکامی مشابه درباره این دو ساختار اعمال می‌دارد.

اندیشه قدرت عمومی و نحوه اعمال آن یکی از مهم‌ترین مباحث حقوق اداری محسوب می‌شود. اعمال حاکمیت به اعمالی اطلاق می‌شود که از قدرت عمومی نشأت می‌گیرد و اعمال تصدی اعمالی است که در سیطره حقوق خصوصی قرار می‌گیرد (انصاری، ۱۳۸۹، ۷۵). از این رو، اعمال قوای نظامی را در زمره اعمال حاکمیت دولت می‌دانند که در مقابل اعمال تصدی دولت قرار دارد. امور دفاعی

۳- ماده ۳. مؤسسه دولتی واحد سازمانی مشخصی است که به موجب قانون ایجاد و زیر نظر یکی از قوای سه گانه اداره می‌شود و

عنوان وزارتخانه ندارد.

نظامی از آن دسته از اموری است که اعمال قدرت دولت در آن نقش اساسی ایفاء کرده و حتی اگر در دیگر مصادیق امور حاکمیتی بتوان شبهه‌ای ایجاد نمود، شاید کمترین خدشه به حاکمیتی بودن اعمال نیروهای مسلح وارد شود.

این‌که ماهیت اعمال نیروهای مسلح حاکمیتی است، بدین معنا نیست که این اشخاص فعالیت تصدی‌گراانه ندارند یا از انجام آن منع شده‌اند. بحث بر سر این است که وجهه غالب عملکرد این نیروها تأمین مستقیم منفعت عمومی از طریق تحقق دفاع ملی است. هم قوه مؤسس و هم قانونگذار عادی اجازه فعالیت تصدی را به نیروهای مسلح داده‌اند. اصل یکصد و چهل و هفتم^۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به دولت اجازه داده است که از تجهیزات ارتش در زمان صلح برای اموری مانند تولید و ساخت طرح‌های عمرانی در کنار امور حاکمیتی، مانند آموزش، امداد و رفع محرومیت، استفاده کند. بی‌تردید تجهیزات و نیروی انسانی در اختیار نیروهای مسلح سرمایه مهمی برای کشور محسوب می‌شوند که در زمان صلح، حتی با هدف درآمدزایی و تأمین بخشی از بودجه نیروهای مسلح می‌توان استفاده‌های فراوانی از آن‌ها داشت. به عنوان مثال «قانون اجازه تشکیل شرکت‌های عمرانی و خدمات فنی به وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۳»^۵ اجازه انجام امور اقتصادی و سودآور را در قالب شرکت دولتی به وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح داده است. این اجازه مشروط به حفظ توان رزمی و آمادگی دفاعی مأموریت اصلی نیروهای مسلح است.

به طور کلی نیروهای مسلح به عنوان بخشی از مفهوم اداره، دارای دو نوع اعمال حاکمیتی و تصدی هستند. تمایز بین اعمال حاکمیتی و تصدی اداره اصلی‌ترین مبنای نظری شکل‌گیری دوگانگی میان اموال اشخاص عمومی است. در اموال ملی یک نفع عام مطرح است؛ در حالی که در اموال اختصاصی، اداره به دنبال منافع خاص خود، از جمله منافع اقتصادی و مالی و نه منفعت عمومی است. ضرورت حمایت از اموالی که منفعت عمومی را تأمین می‌کنند، باعث شکل‌گیری مفهوم اموال ملی شد که اداره از امتیازات قدرت عمومی برای حفاظت از آن بهره می‌برد (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۹۰، ۳۰۵).

۴- اصل یکصد و چهل و هفتم: دولت باید در زمان صلح از افراد و تجهیزات فنی ارتش در کارهای امدادی، آموزشی، تولیدی، و جهاد سازندگی، با رعایت کامل موازین عدل اسلامی استفاده کند در حدی که به آمادگی رزمی آسیبی وارد نیاید.

۵- ماده واحد: به وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران اجازه داده می‌شود مشروط به حفظ توان رزمی و آمادگی دفاعی، پس از کسب موافقت مقام معظم فرماندهی کل قوا (توسط ستاد کل نیروهای مسلح) نسبت به تأسیس شرکت‌های عمرانی و خدمات فنی و تخصصی اقدام نماید.

نیروهای مسلح با ماهیت حقوقی وزارتخانه یا مؤسسه دولتی اصالتاً تابع قواعد عام مربوط به اموال دولتی، مانند قانون محاسبات عمومی مصوب ۱۳۶۶ هستند، مگر این که قانونگذار در مواردی نیروهای مسلح را از شمول این قوانین مستثناء کرده باشد. هنگامی که از قواعد خاص حاکم بر اموال ملی صحبت می‌شود، در واقع اذعان می‌گردد که این قواعد بر اموال اختصاصی نیروهای مسلح حاکم نیستند و تابع قواعد عام حاکم بر اموال عمومی می‌باشند. همچنین کلیه اموال منقول غیرمصرفی و غیرمنقول که در راستای تأمین دفاع و امنیت ملی از سوی نیروهای مسلح استفاده می‌شود جزء اموال ملی حاکمیتی و غیرقابل واگذاری است (کریمی و مختاری دستنائی، ۱۳۹۶، ۳۴۸).

۴- حقوق حاکم بر اموال ملی نیروهای مسلح

خرید اموال توسط نیروهای مسلح شبیه قرارداد بیع مدنی است؛ اما از آن جا که در این قرارداد، یک طرف بخشی از حاکمیت است، برای پاسداشت منافع عمومی در خرید و فروش این اموال و پیشگیری از هرگونه تبانی و همدستی و مورد‌های تخلف آمیز و جرم آلود دیگر، قانونگذار این نیروها را همچون قراردادهای اداری با برخی شرایط محدودکننده رو به رو ساخته و به رعایت تشریفاتی وادار کرده است؛ محدودیت‌های وارد بر این آزادی عمل ریشه در قوانین وضعی و مقررات اداری دارند، یا برخاسته از دستورهای مقام‌های بالادست می‌باشند. این محدودیت‌ها برای پاسداری از منافع عمومی در جلوگیری از فراهم سازی ناکارآمد و غیراقتصادی کالا می‌باشند و همچنین برای تضمین رفتار منصفانه و برابر با طرف احتمالی قرارداد و مانند آن (هداوند، ۱۳۸۹، ۴۱).

اصل در خرید و فروش اموال دولتی، از جمله اموال نیروهای مسلح، برگزاری مناقصه یا مزایده است. البته نیازی نیست خرید برخی کالاها مورد نیاز نیروهای مسلح از راه برگزاری مناقصه صورت گیرد. برای مثال، بند ح ماده «۲۹»^۶ قانون برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۳ در خصوص موارد عدم لزوم برگزاری مناقصه، به خریدهای محرمانه به تشخیص هیأت وزیران، البته با رعایت صرفه و صلاح کشور، اشاره می‌کند. بدون شک یکی از مهم‌ترین خریدهایی که همواره باید از نظر امنیتی به محرمانه‌ترین شکل ممکن صورت گیرد، خرید ادوات نظامی و وسایل آماده‌سازی نیروهای مسلح است. یکی از مهم‌ترین مواردی که در آن نیروهای مسلح از برگزاری مناقصه معاف شده‌اند و دلیل

۶- ماده ۲۹: موارد عدم الزام به برگزاری مناقصه. در موارد زیر الزام به برگزاری مناقصه نیست و دستگاه‌های اجرائی مندرج در بند «ب» ماده (۱) این قانون می‌توانند بدون انجام تشریفات مناقصه، معامله مورد نظر را انجام دهند: ح - در مورد معاملات محرمانه به تشخیص هیأت وزیران به رعایت صرفه و صلاح کشور.

آن فقط سادگی معاملات و پیش پا افتاده بودن قیمت‌ها نیست، بلکه اهمیت خرید و جنبه حاکمیتی داشتن آن است خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های نظامی و به موجب ماده «۱»^۷ لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ شورای انقلاب است (قاسمی و ذکریایی، ۱۳۹۰، ۷۰).

به موجب ماده یک این قانون هرگاه برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی در وزارتخانه‌ها یا مؤسسات و شرکت‌های دولتی یا وابسته به دولت، همچنین شهرداری‌ها، بانک‌ها، دانشگاه‌های دولتی و سازمان‌هایی که شمول قانون ثبت به آن‌ها مستلزم ذکر نام باشد، به اراضی، ابنیه، مستحدثات، تأسیسات و سایر حقوق مربوط به اراضی مذکور متعلق به اشخاص حقیقی یا حقوقی نیاز داشته باشند و اعتبار آن قبلاً به وسیله دستگاه اجرائی یا از طرف سازمان برنامه و بودجه تأمین شده باشد، دستگاه اجرائی می‌تواند مورد نیاز را مستقیماً یا به وسیله هر سازمان خاصی که مقتضی بداند، بر طبق مقررات مندرج در این قانون خریداری و تملک کند و مالک نیز توان ایستادگی در برابر خواست دولت را ندارد. برای مثال، اگر کارشناسان نیروهای مسلح زمین مملوکی را مناسب برای اهداف نظامی نظیر ایجاد پادگان تشخیص دهند، بر اساس این قانون، قادر به تملک آن از طریق پرداخت بهای آن می‌باشند، اگرچه مالک زمین راضی به فروش آن نباشد. با توجه به «قانون نحوه پرداخت محکوم‌به دولت و عدم تأمین و توقیف اموال دولتی مصوب ۱۳۶۵»^۸ و برخلاف مواد «۴۹»^۹ و «۵۰»^{۱۰} قانون

۷- ماده ۱: هرگاه برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی وزارتخانه‌ها یا مؤسسات و شرکت‌های دولتی یا وابسته به دولت، همچنین شهرداری‌ها و بانک‌ها و دانشگاه‌های دولتی و سازمان‌هایی که شمول قانون نسبت به آن‌ها مستلزم ذکر نام باشد و از این پس دستگاه اجرائی نامیده می‌شوند به اراضی، ابنیه، مستحدثات، تأسیسات و سایر حقوق مربوط به اراضی مذکور متعلق به اشخاص حقیقی یا حقوقی نیاز داشته باشند و اعتبار آن قبلاً وسیله دستگاه اجرائی یا از طرف سازمان برنامه و بودجه تأمین شده باشد دستگاه اجرائی می‌تواند مورد نیاز را مستقیماً یا به وسیله هر سازمان خاصی که مقتضی بداند بر طبق مقررات مندرج در این قانون خریداری و تملک نماید.

۸- ماده واحده: وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی که درآمد و مخارج آن‌ها در بودجه کل کشور منظور می‌گردد، مکلفند وجوه مربوط به محکوم به دولت در مورد احکام قطعی دادگاه‌ها و اوراق لازم‌الاجراء ثبتی و دفاتر اسناد رسمی و یا اجرای دادگاه‌ها و سایر مراجع قانونی را با رعایت مقررات از محل اعتبار مربوط به پرداخت تعهدات بودجه مصوب سال‌های قبل منظور در قانون بودجه کل کشور و در صورت عدم وجود و عدم امکان تأمین از محل‌های قانونی دیگر در بودجه سال بعد خود منظور و پرداخت نمایند، اجرای دادگستری و ادارات ثبت اسناد و املاک و سایر مراجع قانونی دیگر مجاز به توقیف اموال منقول و غیرمنقول وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی که اعتبار و بودجه لازم را جهت پرداخت محکوم به ندارند تا تصویب و ابلاغ بودجه یک سال و نیم

اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶، توقیف اموال منقول و غیرمنقول نیروهای مسلح ممکن نیست و حکم این ماده واحده مختص مقررات قانون اجرای احکام مدنی در این باب است. این امر به هیچ وجه به معنی تبعیض بین نیروهای مسلح و سایر اشخاص نیست، زیرا این نیروها به عنوان تأمین کننده بخشی از امور حاکمیتی، مقررات مخصوص به خود را می‌طلبند تا در راستای اداره بهتر امور دفاعی پیش بروند و اگر هر کسی بتواند با طرح دعوا علیه این رکن حاکمیتی کشور، به توقیف اموال منقول و غیرمنقول آن پردازد، موجب اخلال در امور دفاعی و نهایتاً اخلال در اداره امور کشور خواهد شد. طبق اصل استمرار خدمات عمومی که از مهم‌ترین اصول حقوق اداری است، توقیف اموال نیروهای مسلح، سبب قطع ارائه خدمات عمومی می‌شود. البته توجه دیگر این است که نمی‌توان علیه دولت اعمال اقتدار کرد. زیرا توقیف اموال از مصادیق اعمال اقتدار بوده که نمی‌توان علیه دولت که خود منشأ اقتدار است، اعمال شود. این ماده واحده مخصوص وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی است که درآمد و هزینه‌های آن‌ها در بودجه کل کشور منظور گردیده است و شامل شرکت‌های دولتی، هرچند وابسته به نیروهای مسلح، نمی‌شود (مردانی و رودی جانی، ۱۳۸۵، ۲۱۳).

طبق ماده «۶۹»^{۱۱} قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰ تصمیم‌گیری در خصوص تغییر دستگاه بهره‌بردار از اموال دولتی، از جمله اموال متعلق به نیروهای مسلح به عنوان

بعد از سال صدور حکم نخواهند بود. ضمناً دولت از دادن هر گونه تأمین در زمان مذکور معاف می‌باشد. چنانچه ثابت شود وزارتخانه و مؤسسات یاد شده با وجود تأمین اعتبار از پرداخت محکوم به استتکاف نموده‌اند، مسئول یا مسئولین مستتکف و متخلف توسط محاکم صالحه به یک سال انفعال از خدمات دولتی محکوم خواهند شد و چنانچه متخلف به وسیله استتکاف سبب وارد شدن خسارت بر محکوم‌له شده باشد، ضامن خسارت وارده می‌باشد.

۹- ماده ۴۹: در صورتی که محکوم‌علیه در موعدهی که برای اجرای حکم مقرر است مدلول حکم را طوعاً اجرا ننماید یا قراری با محکوم‌له برای اجرای حکم ندهد و مالی هم معرفی نکند یا مالی از او تأمین و توقیف نشده باشد محکوم‌له می‌تواند درخواست کند که از اموال محکوم‌علیه معادل محکوم به توقیف گردد.

۱۰- ماده ۵۰: دادورز (مأمور اجرا) باید پس از درخواست توقیف بدون تأخیر اقدام به توقیف اموال محکوم‌علیه نماید و اگر اموال در حوزه دادگاه دیگری باشد توقیف آن را از قسمت اجرای دادگاه مذکور بخواهد.

۱۱- ماده ۶۹: کلیه اراضی، املاک و ابنیه‌ای که برای استفاده وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی از جمله مؤسساتی که شمول قانون بر آن‌ها مستلزم ذکر نام یا تصریح نام یا تابع مقررات و قوانین خاص است به یکی از طرق قانونی تملک شده است و یا به نام آن وزارتخانه، مؤسسه خریداری شده یا می‌شود متعلق به دولت بوده و در اسناد مالکیت آن‌ها نام دولت جمهوری اسلامی ایران به عنوان مالک با حق استفاده وزارتخانه یا مؤسسه مربوط درج می‌گردد. تغییر دستگاه بهره‌بردار در هر مورد به عهده هیأت وزیران می‌باشد.

مؤسسه دولتی، در صلاحیت تشخیصی هیأت وزیران نهاده شده است. قید جمله (در هر مورد بر عهده هیأت وزیران است) به روشنی نشان دهنده صلاحیت انحصاری این مرجع، پیرامون موضوع است، بی آن که این تصمیم گیری متوقف بر شناسائی نیازمندی دستگاه دارنده ملک و رضایت بالاترین مقام آن دستگاه شده باشد (زرگوش، ۱۳۹۱، ۲۴۱).

از طرف دیگر، برابر ماده «۱۲۸»^{۱۲} قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح مکلف است نسبت به انتقال پادگان‌های مراکز نظامی و کارخانجات بزرگ صنعتی و دفاعی از شهرهای بزرگ، به ویژه تهران، اقدام کند و به تصویب فرماندهی کل نیروهای مسلح برساند. این مقررات قانونی از نظر مصالح عمومی و حفظ جان و امنیت افراد غیرنظامی و رعایت اصل تفکیک بین اهداف نظامی و غیرنظامی امری معقول و منطقی و مطابقا معیارهای حقوق بین الملل بشردوستانه است. بنابراین، با انتقال فیزیکی پادگان‌ها، عرصه و اعیان آن‌ها نیز قابل تملک خصوصی خواهد بود. همچنین، به موجب ماده «۱۷۷»^{۱۳}

کلیه اسناد، سوابق، مدارک موجود مرتبط با این اموال در اختیار وزارت امور اقتصادی و دارائی (اداره کل اموال دولتی) قرار می‌گیرد و در خصوص واگذاری حق استفاده از ساختمان‌های مازاد دستگاه‌های مذکور مطابق بند ب ماده ۱۸۹ این قانون اقدام خواهد شد.

۱۲- ماده ۱۲۸: وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح مکلف است بر اساس نظر ستاد کل نیروهای مسلح نسبت به تهیه طرح جامع نحوه استقرار نیروهای مسلح در سطح کشور متناسب با اندازه و نوع تهدیدات و شرایط زیست محیطی، به منظور رعایت پراکندگی در استقرار تأسیسات حساس و حیاتی و صنایع دفاعی و همچنین انتقال پادگان‌های مراکز نظامی و کارخانجات بزرگ صنعتی دفاعی از شهرهای بزرگ به ویژه تهران اقدام و به تصویب فرماندهی کل نیروهای مسلح برساند. دولت مکلف است نسبت به تأمین و واگذاری تسهیلات اعتباری، بانکی، زمین، تغییر کاربری و ایجاد حریم جهت تأسیسات مورد نیاز اقدامات لازم را به عمل آورد. اعتبارات دریافتی از منابع بانکی از محل فروش اماکن منتقل شده بازپرداخت می‌شود.

۱۳- ماده ۱۷۷: وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و نیروهای مسلح کشور مکلفند پس از کسب مجوز از مقام معظم فرماندهی کل قوا نسبت به فروش عرصه و اعیان پادگان‌ها و سایر اماکن که در تملک یا تصرف قانونی آن‌ها بوده و در محدوده خدمات شهری قرار دارد (پس از اثبات مالکیت) و تغییر کاربری و تفکیک از طریق مزایده اقدام نمایند. سازمان ثبت اسناد و املاک کشور موظف است نسبت به صدور سند مالکیت عرصه و اعیان مزبور اقدام نموده و تنها بیست درصد از حقوق و عوارض قانونی مربوطه را دریافت کند. کمیسیون موضوع ماده (۵) قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران مصوب ۱۳۵۱/۱۲/۲۲ و اصلاحات بعدی آن و شهرداری‌ها موظفند نسبت به تغییر کاربری این قبیل اراضی به کاربری‌های مناسب بر اساس طرح‌های توسعه و عمران شهری و همچنین صدور مجوز ساخت بدون اخذ حق تغییر کاربری اقدام کنند. درآمد حاصل از فروش اماکن فوق‌الذکر به حساب ردیف خاص که در قانون بودجه سالیانه پیش‌بینی می‌گردد واریز و به صورت صددرصد تخصیص یافته تلقی شده و به سازمان مربوطه جهت احداث جایگزین املاک فوق و خانه‌های سازمانی پرداخت خواهد شد.

قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹، تنفیذی ماده ۱۲۸ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳، وزارت مذکور و نیروهای مسلح مکلف‌اند نسبت به فروش عرصه و اعیان پادگان‌ها و سایر اماکن که در محدوده خدمات شهری قرار می‌گیرد و تغییر کاربری و تفکیک از طریق مزایده اقدام نمایند. درآمد حاصله صرف احداث املاک جایگزین و خانه‌های سازمانی خواهد شد.

طبق مواد «۱»^{۱۴} و «۳»^{۱۵} قانون فروش و انتقال پادگان‌ها و سایر اماکن نیروهای مسلح به خارج از حریم شهرها مصوب ۱۳۸۸ وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مکلفند با درخواست ستاد کل نیروهای مسلح، دولت یا شهرداری‌ها (از طریق وزارت کشور) و در صورت موافقت فرماندهی کل قوا نسبت به فروش (از طریق مزایده یا توافق) و انتقال پادگان‌ها و سایر اماکن تحت تملک از محدوده شهرها به خارج از حریم آن‌ها با توافق وزارت مسکن و شهرسازی یا شهرداری‌ها و یا سایر دستگاه‌های اجرائی اقدام نمایند.

طرح شهرسازی اراضی مذکور به منظور تأمین سرانه کاربری‌های عمومی شهری مورد نیاز منطقه حداقل چهل درصد و نیز تأمین منابع مالی مورد نیاز برای انتقال مذکور، در اراضی کمتر از ده هکتار باید به تصویب کمیسیون ماده ۵ قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران مصوب ۱۳۵۱/۱۲/۲۲ و در اراضی با مساحت بیش از آن به تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران برسد. مطابق با ماده «۴»^{۱۶} قانون فروش و انتقال پادگان‌ها و سایر اماکن نیروهای مسلح به خارج از

۱۴- ماده ۱: وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مکلفند با درخواست ستاد کل نیروهای مسلح، دولت یا شهرداری‌ها (از طریق وزارت کشور) و در صورت موافقت فرماندهی کل قوا نسبت به فروش (از طریق مزایده یا توافق) و انتقال پادگان‌ها و سایر اماکن تحت تملک از محدوده شهرها به خارج از حریم آن‌ها با توافق وزارت مسکن و شهرسازی یا شهرداری‌ها و یا سایر دستگاه‌های اجرائی اقدام نمایند. در ارتباط با اراضی وقفی نیز مطابق قوانین مربوطه عمل می‌شود.

۱۵- ماده ۳: به وزارت مسکن و شهرسازی، شهرداری‌ها و سایر دستگاه‌های اجرائی اجازه داده می‌شود با هماهنگی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و نیروهای مسلح کشور، عرصه و اعیان پادگان‌ها و سایر اماکن موضوع این قانون را به قیمت کارشناسی روز خریداری و یا برای جابه‌جایی توافق نمایند. ارزش زمین به صورت تفکیک نشده سی و پنج درصد ارزش کاربری مسکونی تفکیک شده و همجوار املاک موضوع خریداری یا توافق، منظور خواهد شد.

۱۶- ماده ۴: سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و ادارات تابعه موظفند نسبت به تجمیع و تفکیک اراضی مذکور و همچنین صدور اسناد مالکیت جدید برابر قوانین و مقررات مربوطه اقدام نموده و حقوق و عوارض قانونی حسب مورد طبق احکام برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و برنامه‌های آتی وصول خواهد شد.

حریم شهرها مصوب ۱۳۸۸، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و ادارات تابعه موظفند نسبت به تجمیع و تفکیک اراضی مذکور و همچنین صدور اسناد مالکیت جدید برابر قوانین و مقررات مربوطه اقدام نموده و حقوق و عوارض قانونی حسب مورد طبق احکام برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و برنامه‌های آتی وصول خواهد شد. همچنین ماده ۵ قانون فوق‌الذکر مقرر می‌دارد: وزارت جهاد کشاورزی مکلف است در موارد جابه جایی موضوع این قانون، زمین مناسب مورد نیاز جهت احداث پادگان یا اماکن جایگزین و حریم آن‌ها را مطابق معیارها و مقررات نیروهای مسلح واگذار نماید.

۵- اصول حاکم بر حل اختلاف کمیسیون ماده ۳۸ آئین‌نامه معاملات شهرداری پایتخت مصوب ۱۳۵۵

در رسیدگی‌های کمیسیون ماده ۳۸ آئین‌نامه معاملات شهرداری پایتخت مصوب ۱۳۵۵ برخی از اصول رسیدگی حاکم است که عبارتند از: اصل تخصص، اصل بی‌طرفی، اصل سرعت و دقت در رسیدگی. اطلاع دادرسی یکی از مشکلاتی است که دستگاه قضا و نهادهای رسیدگی کننده شبه قضائی همواره با آن رو به رو بوده‌اند و تلاش‌ها و اقدامات زیادی برای رفع این مشکل صورت گرفته است که می‌توان افزایش شمار قضات و پرورش هرچه بیشتر نیروی انسانی را از جمله این تلاش‌ها و اقدامات دانست. شمار زیاد پرونده‌ها و حتی افزایش بیش از پیش شمار پرونده‌ها تا حد زیادی این اقدامات بی‌اثر کرده است. برخی کارشناسان اصلاح قوانین کیفری ماهوی و شکلی، استفاده بهینه از سیستم مدیریت پرونده، توسعه کمی و کیفی نیروی انسانی کارآمد و قضازدائی راهکارهای عمده و بسیار لازم و ضروری برای رفع اطلاع دادرسی عنوان می‌کنند. اما به نظر تخصصی شدن رسیدگی‌ها در نهادهای شبه قضائی مثل کمیسیون ماده ۳۸ آئین‌نامه معاملات شهرداری پایتخت مصوب ۱۳۵۵ از عواملی است تا از این طریق بتوان مدت زمان رسیدگی به پرونده‌ها را تا حد ممکن کاهش داد، چرا که در برخی موارد فقدان تسلط کامل قضات باعث طولانی شدن فرآیند تحقیق به بیش از دو سال شده است (شهیدی، ۱۳۸۱، ۵۴).

ورود قضات فاقد تخصص و اشراف کافی به موضوعات تخصصی، سبب اطلاع دادرسی می‌گردد و اگر قاضی احاطه کافی به موضوع نداشته باشد برای این که از بعد شرعی و قانونی مسئولیتی متوجه وی نباشد به ناچار زمان دادرسی را مطول می‌کند تا به اشراف و تسلط کامل در موضوع برسد که این عدم احاطه، اطلاع دادرسی را در پی خواهد داشت. در حال حاضر دنیا به سمت تخصصی شدن پیش می‌رود لذا طبیعی است که در مورد مسائل حقوقی و فنی نیز پیچیدگی‌هایی به وجود آمده و به سمت تخصصی

شدن حرکت کرده است چرا که متأثر از پیشرفت‌های علمی دنیاست و قطعاً تصمیم‌گیری در این زمینه نیازمند تبحر و اشراف قاضی در موضوع است. در این مورد کمیسیون ماده ۳۸ آئین‌نامه معاملات شهرداری پایتخت مصوب ۱۳۵۵ با حضور شهردار، یک قاضی از دادگستری به انتخاب رئیس دادگستری و یکی از اعضای شورای اسلامی شهر تشکیل می‌گردد و با توجه به این که محور و هسته اصلی تشکیل این کمیسیون رسیدگی به پرونده‌های حقوقی شهرداری می‌باشد، بررسی پرونده‌های حقوقی شهرداری توسط این کمیسیون موجب تسهیل در روند رسیدگی این پرونده‌های حقوقی می‌شود. این اقدام همچنین سبب می‌شود مسیر طولانی رسیدگی پرونده‌ها به حداقل ممکن برسد و رأی صادر شده از سوی اعضای کمیسیون با توجه به مباحث کارشناسی مطرح شده لازم‌الاجراست (شریفی، ۱۳۹۷، ۳۴).

اصل بی‌طرفی در اصطلاح حقوقی به این معناست که قاضی در طول رسیدگی باید در رفتار خود با طرف‌های دعوا، بی‌طرفی ظاهری را رعایت نموده و از رفتارهای شبهه‌انگیز و از اقداماتی که برخلاف حق بوده و موجب تقویت و ضعف یک طرف یا تضعیف موقعیت طرف دیگر شود، خودداری نماید. اصل بی‌طرفی در دادرسی یکی از اصول و مؤلفه‌های اساسی دادرسی عادلانه است. این اصل تا اندازه‌ای مهم است که حضرت امام علی (ع) در زمان حکومت خویش، قضاتی که این اصل را رعایت نمی‌کردند مورد عتاب خویش قرار می‌دادند (محمدی، ۱۳۸۵، ۲۱۸).

اِزارهای تأمین‌کننده بی‌طرفی در کمیسیون ماده ۳۸ آئین‌نامه معاملات شهرداری پایتخت مصوب ۱۳۵۵ شهرداری عبارتند از: استقلال اعضای کمیسیون که لازمه بی‌طرفی دادرسی است، زیرا در این صورت دادرسی می‌تواند زمامداران مقتدر را در صورت ارتکاب جرم به پای میز محاکمه کشانده و در صورت تقصیر آنان را به مجازات متناسب محکوم نماید. در این کمیسیون با توجه به این که اولاً تعداد اعضاء فرد و ثانیاً از نهادهای مختلف به رسیدگی اقدام می‌کنند می‌توان استقلال اعضای کمیسیون را تا حدودی قبول نمود. مصونیت دادرسان: مصونیت شغلی یا کیفری اعضای کمیسیون در رسیدگی‌ها برای آنان این امنیت خاطر را ایجاد می‌کند که اگر با حفظ استقلال و بی‌طرفی مبادرت به رسیدگی و انشای رأی کنند به راحتی مورد حب و بغض سیاسی قرار نگرفته و در اثر آن شغل خود را از دست نداده یا تحت پیگرد کیفری قرار نمی‌گیرند (اصل یکصدوشصت و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران^{۱۷}). تقوا و تزکیه نفس:

۱۷- اصل یکصدوشصت و چهارم: قاضی را نمی‌توان از مقامی که شاغل آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است به طور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد مگر به اقتضای

خویشترن داری مانع دخالت عوامل روانی و احساسات خوشایند یا ناخوشایند در فرآیند رسیدگی و صدور حکم است که نتیجه آن خروج از بی طرفی قاضی است. تزکیه نفس موجب می شود که ظاهر طرف های دعوا یا جایگاه شغلی و اجتماعی آنان یا سخنانی که در مدح وی گفته می شود و همچنین سایر امور اخلاقی یا احساسی در قضاوت و تصمیم گیری قاضی دخالت داده نشود (ناجی، ۱۳۸۵، ۵۲-۵۷).

اهمیت دادن به زمان دادرسی نه تنها در رضایت خاطر اصحاب دعوا مؤثر است، بلکه موجب می شود از لحاظ سیاسی، مردم به قوای حاکمه اعتماد بیشتری کنند و با طیب نفس رأی آن ها را بپذیرند. اهمیت زمان در دادرسی امروزه تا حدی است که آن را یکی از معیارهای ارزیابی کیفیت دادرسی می دانند. هنگامی که به ارزیابی کیفیت دادرسی پرداخته می شود، خود به خود ارزش اقتصادی زمان، محل توجه قرار می گیرد. زمان در اقتصاد به بازدهی و نابازدهی اعمال انجام شده توجه دارد و از کارایی و ناکارایی آن پرده برمی دارد. در این معنا زمان معیاری است برای قضاوت نسبت به اثربخش بودن یا نبودن اعمال و اقدامات دادرسی و رأی حاصل از آن. در حقیقت این برداشت بیشتر ناظر به ارزش و قیمت خود زمان مصروف است تا نتیجه دادرسی.

۶- رسیدگی کمیسیون ماده ۳۸ آئین نامه معاملات شهرداری پایتخت مصوب

۱۳۵۵در حل اختلاف دعاوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و شهرداری

با ملاحظه متن ماده ۳۸ اصلاحی و در شمول عنوان «اختلافات قراردادی» در وضعیتی که تحقق و صحت قرارداد، مورد اتفاق نظر طرفین است و اختلاف مربوط به حقوق و تعهدات قراردادی آن هاست، نباید تردید کرد. با این حال، در فرضی که اختلاف طرفین مربوط به صحت، بطلان یا اعتبار قرارداد است، در تحقق مفهوم اختلافات قراردادی می توان تردید نمود. ممکن است گفته شود، اطلاق عنوان اختلافات ناشی از معاملات در ماده ۳۸ اصلاحی، فرع بر تحقق معامله است. این عبارت در جایی به کار می رود که طرفین در صدق عنوان معامله اتفاق نظر داشته باشند. بنابراین در فرض اختلاف در صحت و بطلان، موضوع ماده ۳۸ تحقق نیافته است تا بتوان حکم مقرر در این ماده را اجرا نمود. بر این اساس، در صورت مراجعه به کمیسیون و صدور رأی، به همین دلیل رأی صادره در مراجع عمومی باطل تلقی خواهد شد. به کار بردن واژه «ناشی» پس از اختلافات در صدر ماده و اتصال آن به معاملات از طرفی و ضرورت تفسیر مضیق موارد صلاحیت کمیسیون مقرر در ماده ۳۸ که یک مرجع استثنائی تلقی می شود از طرف دیگر، مؤید این نظر است (سعیدی و مفتخری، ۱۳۹۷، ۱۴۲).

مصلحت جامعه با تصمیم رئیس قوه قضائیه پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل. نقل و انتقال دوره ای قضات بر طبق ضوابط کلی که قانون تعیین می کند صورت می گیرد.

قرارداد پیمانکاری که اغلب قراردادهای شهرداری با پیمانکاران بر همین نوع می‌باشد، قراردادی است که به موجب آن پیمانکار در قبال دریافت وجهی معین، اجرای موضوع پیمان را در مقابل کارفرما یا شهرداری تعهد می‌نماید و در اصطلاح مقاطعه یا پیمانکاری، قراردادی است که به موجب آن دولت یا مؤسسات و سازمان‌های عمومی انجام عمل یا فروش کالائی را با شرایط معینی در برابر مزد و در مدت معین به شخص حقیقی یا حقوقی به نام پیمانکار (مقاطععه کار) واگذار می‌کند. آنچه در مورد قرارداد پیمانکاری رایج است، همان قرارداد پیمانکاری یا مقاطعه دولتی می‌باشد که طبق شرایط عمومی پیمان، پیمانکار که یک شخصیت حقوقی است، اجرای عملیات موضوعی را به عهده می‌گیرد. همچنین قرارداد مقاطعه یا پیمانکاری تابع قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶ و آئین‌نامه معاملات دولتی مصوب ۱۳۴۹ است و تشریفات مزایده و مناقصه نیز خاص این قراردادهاست.

به طور کلی قراردادهای پیمانکاری دولتی به قراردادهائی گفته می‌شود که اولاً یک طرف آن الزاماً یکی از دستگاه‌های اجرائی و طرف دیگر یک شخصیت حقوقی حقوق خصوصی می‌باشد، که شخصیت مزبور عموماً یک شرکت پیمانکاری است. ثانیاً موضوع قرارداد انجام عملیات اجرائی یک طرح عمرانی از قبیل راه، بنای ساختمان، ایجاد پل‌ها و سدها، لوله کشی آب یا گاز و نظایر آن باشد. در کمیسیون ماده ۳۸ آئین‌نامه معاملات شهرداری پایتخت مصوب ۱۳۵۵ ایرادات شکلی قراردادهای پیمانکاری مورد بررسی قرار گرفته و در صورتی که از لحاظ شکلی ایرادی بر قراردادهای منعقد نشده باشد، کمیسیون وارد رسیدگی ماهوی می‌شود. لازم به ذکر است در رسیدگی ماهوی، اختلافات ناشی از معاملات موضوع آئین‌نامه معاملات شهرداری تهران، ابتدا قابل طرح در دادگاه نیست و بدو باید در هیأت موضوع ماده ۳۸ آئین‌نامه مذکور مطرح شود. بنابراین کمیسیون ماده ۳۸ آئین‌نامه معاملات شهرداری پایتخت مصوب ۱۳۵۵ پس از رسیدگی‌های شکلی وارد بحث ماهیت قراردادها شده و از حیث ماهوی به اختلافات ناشی از معاملات می‌پردازد. به عنوان مثال در مباحثی مثل عدم اجرای قرارداد، عدم ایفای تعهدات و زیان‌های طرفین در اثر اهمال طرف دیگر و در نهایت با توجه به تحقیقات و کارشناسی‌های به عمل آمده اقدام به صدور رأی می‌نماید (شکری و عسکری آزاد، ۱۳۹۲، ۱۰۲).

بحث دعوت به رسیدگی در کمیسیون ماده ۳۸ آئین‌نامه معاملات شهرداری پایتخت مصوب ۱۳۵۵ از طریق ابلاغیه‌ای صورت می‌گیرد که توسط دفتر این کمیسیون صادر می‌گردد و بر اساس همین ابلاغ که تابع مقررات ابلاغ آئین دادرسی مدنی است، رفتار خواهد شد. بر اساس رویه این کمیسیون، پیش از رسیدگی به اختلافات فی‌مابین طرفین در هیأت حل اختلاف (کمیسیون)، بدو موضوع اختلاف به کارشناس شهرداری

جهت مصالحه و ایجاد سازش ارجاع داده می‌شود و مدارک مورد نیاز به منظور ثبت دادخواست در هیأت حل اختلاف (کمیسیون) موضوع ماده ۳۸ آئین‌نامه معاملات شهرداری پایتخت مصوب ۱۳۵۵، جهت رسیدگی به اختلافات ناشی از معاملات موضوع آئین‌نامه معاملات شهرداری تهران می‌بایست فرم مخصوص دادخواست هیأت حل اختلاف ماده ۳۸ آئین‌نامه معاملات شهرداری پایتخت مصوب ۱۳۵۵ تکمیل و به انضمام مدارک و مستندات به دبیرخانه هیأت تحویل گردد. کمیسیون ماده ۳۸ آئین‌نامه معاملات شهرداری پایتخت مصوب ۱۳۵۵ پس از بررسی اسناد و مدارک و دفاعیات طرفین و خصوصاً پیمانکاران یا وکلای ایشان و بررسی‌های کارشناسی، اقدام به صدور رأی می‌نماید.

۷ - دعاوی قابل رسیدگی در کمیسیون ماده ۳۸ آئین‌نامه معاملات شهرداری پایتخت مصوب ۱۳۵۵

در ماده ۳۸ آئین‌نامه معاملات شهرداری پایتخت مصوب ۱۳۵۵ آمده است اختلافات ناشی از معاملات موضوع این آئین‌نامه که بین طرفین ایجاد می‌شود، در هیأتی مرکب با عضویت یک نفر قاضی دادگستری با انتخاب رئیس قوه قضائیه، یک نفر از اعضای شورای اسلامی شهر با انتخاب شورای مربوطه، نماینده شهرداری به انتخاب شهردار، نماینده بخشدار یا فرماندار حسب مورد و نماینده قانونی طرف قرارداد، قابل رسیدگی بوده و حکم صادره از سوی قاضی جلسه برای طرفین لازم الاجرا است. مطابق با ماده ۳۸ آئین‌نامه معاملات شهرداری پایتخت مصوب ۱۳۵۵، اختلافات ناشی از معاملات موضوع این آئین‌نامه در هیأت حل اختلاف قابل رسیدگی می‌باشد. طبق ماده یک آئین‌نامه، معاملات شامل جزئی، متوسط و عمده می‌باشد که هر یک حد نصاب خاص خود را دارند و تشریفات خاصی را نیز طی می‌کنند و به عنوان مثال معاملات عمده از طریق مزایده و یا مناقصه عمومی انجام می‌پذیرد. این معاملات به منظور خرید خدمات و یا ملزومات از اشخاص و یا فروش اجناس و یا املاک به اشخاص انجام می‌پذیرد. بنابراین می‌توان گفت منشأ اختلافات مورد اشاره در این ماده معاملات (قراردادهائی) است که شهرداری با اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی منعقد می‌کند. به نظر می‌رسد این اعمال شهرداری در مقایسه با اعمال دولت بیشتر نزدیک به اعمال تصدی‌گری دولت است تا حاکمیتی.

در ماده «۳۹»^{۱۸} آئین‌نامه مذکور مقرر شده، مؤسسات تابعه و وابسته شهرداری تهران که دارای شخصیت حقوقی بوده و به طریق بازرگانی اداره می‌شوند، در صورتی که دارای آئین‌نامه معاملات مخصوص خود

۱۸- ماده ۳۹. مؤسسات تابعه و وابسته شهرداری پایتخت که دارای شخصیت حقوقی بوده و به طریق بازرگانی اداره می‌شوند در صورتی که دارای آئین‌نامه معاملات مخصوص خود نباشند معاملات خود را طبق مقررات این آئین‌نامه انجام خواهند داد.

نباشند، معاملات خود را طبق مقررات این آئین‌نامه انجام خواهند داد. ملاحظه می‌گردد در این ماده به مؤسساتی اشاره شده که وابسته به شهرداری بوده و به طریق بازرگانی اداره می‌شوند و این مؤسسات همان گونه که از عنوانش پیداست اقدام به اعمال تصدی‌گری می‌نمایند نه حاکمیتی. به عبارتی این معاملات جزء وظایف ذاتی شهرداری که به موجب قانون بر عهده این نهاد قرار داده شده است نمی‌باشند، مانند وظایفی که در ماده «۵۵»^{۱۹} قانون شهرداری‌ها مصوب ۱۳۳۴ بر عهده شهرداری نهاده شده است.

از آنجائی که کمیسیون صرفاً به مواردی رسیدگی می‌نماید که در قرارداد منعکس است، لذا نسبت به خسارت مورد ادعای طرفین ورود به رسیدگی نمی‌نماید چرا که به اعتقاد قاضی کمیسیون، این موارد خارج از قرارداد می‌باشد و صلاحیت کمیسیون فقط در حد موارد مقید در قرارداد است. همچنین کمیسیون در خصوص دستور موقت نیز ورود نمی‌کند زیرا اعتقاد بر این است که صدور دستور موقت صرفاً در صلاحیت مراجع دادگستری می‌باشد زیرا باید پس از صدور به تأیید رئیس حوزه قضائی نیز برسد، حال آن‌که این کمیسیون خارج از دادگستری می‌باشد و جزء مرجع غیردادگستری می‌باشد. در متن ماده ۳۸ آئین‌نامه معاملات شهرداری پایتخت مصوب ۱۳۵۵، کمیسیون شهرداری به صراحت صدور رأی در حیطه وظایف عضو قاضی قرار داده شده و تصمیم‌گیرنده نهائی خود او می‌باشد. اما ظاهراً قاضی تصمیم خود را پس از بحث و تبادل نظر با سایر اعضاء اتخاذ می‌نماید. پس به نظر می‌رسد سایر اعضاء صرفاً نقش مشاور داشته و در اتخاذ تصمیم متناسب و صدور رأی شایسته به قاضی کمک می‌نمایند.

حال این‌که باید دید در صورت اختلاف نظر سایر اعضاء با قاضی هیأت در نهایت اتخاذ تصمیم به چه شکل خواهد بود. از متن ماده چنین استنباط می‌شود که رأی نهائی توسط قاضی صادر شده و تصمیم نهائی را قاضی می‌گیرد حتی اگر سایر اعضاء با نظر قاضی مخالف باشند و اتخاذ تصمیم به نظر اکثریت نمی‌باشد. برخلاف اکثر کمیسیون‌های اداری که رأی با نظر اکثریت اعضاء می‌باشد. در عمل نیز وضع به همین گونه می‌باشد و رأی نهائی توسط قاضی صادر می‌گردد، حتی اگر سایر اعضاء نظر دیگری داشته باشند (لطفی قلعه‌جوق، ۱۳۹۸، ۱۰۱).

رأی صادره از سوی قاضی عضو کمیسیون قطعی می‌باشد زیرا به موجب ماده «۵»^{۲۰} قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ آراء دادگاه‌ها قطعی است، مگر در موارد مقرر در باب چهارم این قانون

۱۹- ماده ۵۵: وظایف شهرداری به شرح ذیل است: ...

۲۰- ماده ۵: آرای دادگاه‌ها قطعی است مگر در موارد مقرر در باب چهارم این قانون یا در مواردی که به موجب سایر قوانین قابل

نقض یا تجدیدنظر باشند.

یا در مواردی که به موجب سایر قوانین قابل نقض یا تجدیدنظر باشد. از آنجائی که در خود ماده ۳۸ آئین نامه معاملات شهرداری پایتخت مصوب ۱۳۵۵ به قطعی بودن رأی کمیسیون اذعان گردیده، لذا آراء کمیسیون قطعی است. اما از آنجائی که هیچ یک از مراجع نمی توانند به دعوی که در صلاحیت آنها نمی باشد رسیدگی نمایند و یا آرای مخالف قوانین آمره و اخلاق حسنه و مخالف نظم عمومی صادر نمایند که در این صورت این آراء باطل می باشند، لذا باید بتوان نسبت به موارد مزبور اعتراض نمود. از آنجائی که در ماده ۳۸ آئین نامه معاملات شهرداری به این امر اشاره نشده، باید به قواعد عمومی مراجعه نمود، حال با توجه به این که مراجع عمومی محل رسیدگی به دادخواهی و تظلم خواهی اشخاص می باشند، در این خصوص نیز دادگاه های عمومی، محل طرح این اعتراضات است. برای تأیید این امر «رأی وحدت رویه شماره ۶۹۹ مورخ ۱۳۸۶/۰۳/۲۲ هیأت عمومی دیوان عالی کشور»^{۲۱} قابل استناد است. از آنجائی که مرجع اعتراض از آراء کمیسیون ماده ۳۸ آئین نامه معاملات شهرداری پایتخت مصوب ۱۳۵۵ نیز به مانند ماده ۷۷ شهرداری ها مشخص نمی باشد و در چنین وضعیتی به قوانین عمومی مراجعه می شود و به موجب این قوانین مرجع تظلم خواهی اشخاص نیز مرجع عمومی است. در خصوص چگونگی پذیرش طرح اختلافات در کمیسیون مزبور مطابق ماده ۳۸ آئین نامه معاملات شهرداری پایتخت مصوب ۱۳۵۵ باید وجود بندی در قراردادهای تنظیمی مبنی بر حل اختلاف از طریق کمیسیون مقرر در ماده ۳۸ باشد، در غیر این صورت کمیسیون از پذیرش دادخواست مربوطه معذور خواهد بود و طرفین جهت حل اختلاف بایستی موضوع را از طریق مراجع قضائی پیگیری نمایند. البته این برخورد با قراردادهائی می شود که تاریخ انعقاد آنها پیش از اصلاحات سال ۱۳۹۰ و در زمان حکومت قانون ۱۳۵۵ می باشد. پیش از رسیدگی به اختلافات فی مابین طرفین در هیأت حل اختلاف (کمیسیون) بدو موضوع اختلاف به شهرداری جهت مصالحه و ایجاد سازش ارجاع می شود.

۲۱- قانونگذار برای آراء صادره از مراجع غیردادگستری نوعاً مرجعی را برای رسیدگی به اعتراضات و رفع اشتباهات احتمالی تعیین نموده است، در حالی که برای رسیدگی به اعتراض نسبت به آراء کمیسیون ماده ۷۷ قانون شهرداری که ابتدائاً رسیدگی می نماید چنین مرجعی پیش بینی نشده است، بنا به مراتب، همان طور که به موجب اصل یکصد و هفتاد و سوم قانون اساسی و ماده ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری مردم می توانند اعتراضات خود را در دیوان عدالت اداری مطرح نمایند، سازمان های دولتی نیز می توانند برای رفع هر نوع تخلف احتمالی از قانون، در صدور آراء کمیسیون ماده ۷۷ از حیث نقض قوانین یا مقررات و مخالفت با آنها، به مراجع دادگستری که مرجع تظلم عمومی است مراجعه نمایند و به نظر اکثریت اعضاء هیأت عمومی دیوان عالی کشور رأی شعبه ۳۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران در حدی که با این نظر تطابق داشته باشد صحیح تشخیص می گردد.

رسیدگی در کمیسیون در دو مرحله انجام می‌شود، در مرحله اول پس از ابلاغ دادخواست و زمان تشکیل جلسه به طرفین، جلسه‌ای در زمان مقرر با حضور دبیر کمیسیون و سایر اعضاء و نماینده منطقه یا سازمان مربوطه و طرف دیگر اختلاف تشکیل می‌شود. در این جلسه خواهان و خوانده به بیان مطالب خود اقدام نموده و مستندات خود را ارائه می‌نمایند و چنانچه هر یک از اعضاء و یا دبیر کمیسیون سؤالی از طرفین داشته باشند مطرح نموده و جوابیه طرفین را نیز استماع می‌کنند. در این مرحله کمیسیون سعی در جهت حل و فصل مسالمت‌آمیز موضوع نموده و سعی می‌نماید از طریق صلح و سازش به مسئله پیش آمده فیصله دهد. برای همین منظور نیز معمولاً فرصت یک هفته تا ده روز به طرفین داده می‌شود تا به توافق رسیده و مسئله را حل و فصل نمایند.

چنانچه اختلاف در مدت زمان اعطائی به هر دلیلی حل و فصل نگردد این دفعه جلسه رسیدگی با حضور قاضی عضو کمیسیون و سایر اعضاء و شهردار منطقه مربوطه و یا نماینده او که معمولاً از اداره حقوقی آن منطقه می‌باشد (رئیس حقوقی یا کارشناس مسلط به قضیه) و طرف دیگر اختلاف تشکیل می‌شود. دعوت از طرفین جهت حضور در جلسه رسیدگی به همان شیوه پیش گفته انجام می‌پذیرد. در این جلسه نمایندگان شورا، شهرداری، فرماندار یا بخشدار در حضور قاضی، اگر مسئله مهمی وجود داشته باشد به ایشان می‌گویند و از طرفین درخواست توضیحات بیشتر را می‌نمایند. باید گفت این اعضاء نه به عنوان وکیل مدافع شهرداری، بلکه به عنوان مشاور قاضی عمل نموده و در نهایت نظر مشورتی خود را به قاضی ارائه می‌نمایند و این شخص قاضی است که تصمیم نهائی را اتخاذ کرده و اقدام به صدور و انشاء رأی می‌نماید. رأی صادره پس از انشاء توسط دبیرخانه کمیسیون تایپ شده و توسط عضو قاضی کمیسیون امضاء می‌شود و پس از آن به همان شکل که سایر اوراق ابلاغ می‌گردید به طرفین اختلاف ابلاغ می‌شود و لازم الاجراء است. تشکیل جلسه، طریقه رسیدگی، شیوه بیان خواسته خواهان و دفاع خوانده کاملاً مشابه دادگاه‌های عمومی است (لطفی قلعه‌جوق، ۱۳۹۸، ۱۰۱).

رأی صادره پس از صدور و ابلاغ به طرفین، قابلیت اجرائی می‌یابد. برای اجرای رأی به موجب دستورالعمل‌های ابلاغی، محکوم‌له درخواست اجرای رأی را از کمیسیون به عمل می‌آورد و کمیسیون طی مکاتبه‌ای ضمن ارسال یک نسخه از رأی صادره به شعبه اجرای احکامی که به همین منظور در دادگاه عمومی مشخص گردیده، درخواست اجرای رأی را می‌نماید. شعبه اجرای احکام نیز پس از وصول این درخواست ضمن تشکیل پرونده نسبت به اجرای رأی مطابق با قوانین موضوعه اجرای احکام مدنی اقدام می‌نماید.

در ماده ۳۸ آئین‌نامه معاملات شهرداری پایتخت مصوب ۱۳۵۵ با توجه عبارت «حکم صادره از طرف قاضی جلسه برای طرفین لازم الاجراء است» به نظر می‌رسد رأی صادره از کمیسیون مزبور غیرقابل اعتراض

باشد. البته چنانچه ماهیت این کمیسیون مشخص گردد می‌توان متناسب با آن طریقه تجدیدنظر و اعتراض از آراء صادره کمیسیون را مورد بررسی قرار داد. به عنوان مثال اگر ماهیت کمیسیون داوری تعیین شود می‌توان گفت راهکار اعتراض به رأی داور در قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ مشخص گردیده و مرجع اعتراض به داوری دادگاه عمومی می‌باشد و اگر این کمیسیون را جزء مراجع اداری قلمداد کنیم بر اساس قوانین موجود، مرجع تجدیدنظر و اعتراض دیوان عدالت اداری خواهد بود و چنانچه این کمیسیون نوعی مرجع قضائی (غیردادگستری) باشد می‌توان گفت باز هم مرجع اعتراض و تجدیدنظر آراء صادره، دادگاه عمومی خواهد بود. بنابراین پس از تشخیص ماهیت کمیسیون، تعیین مرجع تجدیدنظر سهل تر خواهد بود.

در خصوص مرجع تجدیدنظر از آراء کمیسیون، اختلاف نظر وجود دارد. برخی از حقوقدانان با عنایت به این که ماهیت این کمیسیون را نوعی مرجع رسیدگی اداری می‌دانند، مرجع تجدیدنظر را دیوان عدالت اداری معرفی نموده‌اند. ماده ۳۸ اصلاحی در خصوص امکان اعتراض به آراء هیأت حل اختلاف ساکت است، اما قابلیت اعتراض از قواعد عام دادرسی و همچنین مفاد مواد «۱۰»^{۲۲} و «۱۲»^{۲۳} قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۰ که آراء و تصمیمات قطعی مراجع استثنائی غیردادگستری را قابل اعتراض در دیوان عدالت اداری دانسته‌اند قابل استنباط است (ورمزیر، ۱۳۹۲، ۱۱۱).

۲۲- ماده ۱۰: صلاحیت و حدود اختیارات دیوان به قرار زیر است: رسیدگی به شکایات و تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از: الف - تصمیمات و اقدامات واحدهای دولتی اعم از وزارتخانه ها و سازمان ها و مؤسسات و شرکت های دولتی و شهرداری ها و سازمان تأمین اجتماعی و تشکیلات و نهادهای انقلابی و مؤسسات وابسته به آنها. ب - تصمیمات و اقدامات مأموران واحدهای مذکور در بند «الف» در امور راجع به وظایف آنها. رسیدگی به اعتراضات و شکایات از آراء و تصمیمات قطعی هیأت های رسیدگی به تخلفات اداری و کمیسیون هایی مانند کمیسیون های مالیاتی، هیأت حل اختلاف کارگر و کارفرما، کمیسیون موضوع ماده ۱۰۰ قانون شهرداری ها منحصرأ از حیث نقض قوانین و مقررات یا مخالفت با آنها. رسیدگی به شکایات قضات و مشمولان قانون مدیریت خدمات کشوری و سایر مستخدمان واحدها و مؤسسات مذکور در بند ۱ و مستخدمان مؤسساتی که شمول این قانون نسبت به آنها محتاج ذکر نام است اعم از لشکری و کشوری از حیث تضييع حقوق استخدامی.

۲۳- ماده ۱۲: حدود صلاحیت و وظایف هیأت عمومی دیوان به شرح زیر است: رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از آئین نامه ها و سایر نظامات و مقررات دولتی و شهرداری ها و مؤسسات عمومی غیردولتی در مواردی که مقررات مذکور به علت مغایرت با شرع یا قانون و یا عدم صلاحیت مرجع مربوط یا تجاوز یا سوءاستفاده از اختیارات یا تخلف در اجرای قوانین و مقررات یا خودداری از انجام وظایفی که موجب تضييع حقوق اشخاص می شود. صدور رأی وحدت رویه در موارد مشابه که آراء متعارض از شعب دیوان صادر شده باشد. صدور رأی ایجاد رویه که در موضوع واحد، آراء مشابه متعدد از شعب دیوان صادر شده باشد.

لازم به ذکر است قراردادهای مشارکتی که امروزه در شهرداری‌های کلانشهرها بسیار رواج یافته و بخش قابل توجهی از درآمدهای شهرداری‌ها را نیز به خود اختصاص داده است، از شمول معاملات موضوع آئین‌نامه خارج و در نتیجه رسیدگی به اختلافات ناشی از آن نیز در صلاحیت کمیسیون نمی‌باشد. همچنین اختلافات قراردادهایی که شهرداری‌ها به عنوان ناشر اوراق مشارکت با شرکت‌های تأمین سرمایه نیز منعقد می‌نمایند، خارج از صلاحیت کمیسیون ماده ۳۸ آئین‌نامه معاملات شهرداری پایتخت مصوب ۱۳۵۵ و در صلاحیت هیأت داوری بورس می‌باشد.

نتیجه

در این پژوهش پس از بررسی مفهوم اختلافات قراردادی فی‌مابین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و شهرداری تهران به ماهیت و ترکیب هیأت حل اختلاف ماده ۳۸ آئین‌نامه معاملات شهرداری پایتخت مصوب ۱۳۵۵ و همچنین بررسی رویه قضائی در خصوص این موضوع پرداختیم. بر این اساس، نیروهای مسلح در ایران به دلیل ماهیت حقوقی خود تابع قواعد عام مربوط به اموال عمومی مانند قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶ هستند و در مواردی به دلیل ماهیت امور دفاعی و امنیتی از قوانین و مقررات خاصی پیروی می‌کنند. اموال ملی نیروهای مسلح، اعم از منقول و غیرمنقول که در راستای تأمین دفاع ملی به کار گرفته می‌شوند، غیرقابل واگذاری هستند و در زمینه تملک این اموال نیز به دلیل مقتضای کارکرد نیروهای مسلح از برخی تشریفات، مانند مناقصه معاف و در زمینه ماهوی، از جایگاه برتری در روابط با سایر اشخاص، اعم از عمومی و خصوصی، برخوردارند.

کمیسیون ماده ۳۸ آئین‌نامه معاملات شهرداری پایتخت مصوب ۱۳۵۵ نیز یک نوع مرجع اختصاصی می‌باشد که صرفاً به دعاوی و اختلافات بین شهرداری و اشخاص (اعم از حقیقی یا حقوقی) از نوع قراردادهای منعقد شده فی‌مابین ایشان که بر اساس آئین‌نامه معاملات شهرداری منعقد گردیده رسیدگی می‌نماید. بر این اساس، مبنای رسیدگی طبق نظر قاضی کمیسیون صرفاً قرارداد بوده و به خساراتی که در قرارداد پیش‌بینی نشده باشد، حتی اگر طرف قانوناً مستحق آن باشد رسیدگی نمی‌نماید.

اختلافات مطروحه در کمیسیون ماده ۳۸ آئین‌نامه معاملات شهرداری پایتخت مصوب ۱۳۵۵ و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بیشتر به وظایف تصدی‌گری شباهت دارد تا حاکمیتی. رأی این کمیسیون توسط عضو قاضی صادر می‌شود و سایر اعضا صرفاً نقش مشاور را ایفا می‌نمایند و تصمیم‌گیرنده نهایی خود قاضی می‌باشد. در رابطه با حل اختلاف فی‌مابین کمیسیون ماده ۳۸ آئین‌نامه معاملات شهرداری پایتخت مصوب ۱۳۵۵ و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی علیرغم این که کمیسیون شباهت‌هائی

با نهاد داوری دارد، لکن ماهیتاً نمی‌تواند یک نوع نهاد داوری باشد، زیرا مبنا و اساس داوری انتخابی بودن و توافقی بودن آن است و طرفین با توافق یکدیگر داور را انتخاب می‌کنند و در خصوص اموال عمومی طبق اصل یکصدوسی و نهم^{۲۴} قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده «۴۵۷»^{۲۵} قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ ارجاع به داوری نیازمند اخذ مجوز هیأت وزیران و مجلس شورای اسلامی می‌باشد، حال این که جهت طرح اختلافات در این کمیسیون نیاز به اخذ چنین مجوزهایی نمی‌باشد. مرجع اعتراض به آراء صادره از کمیسیون نیز چون اختلافات مطروحه دارای خصیصه ترافعی می‌باشند، در صلاحیت دادگاه عمومی است.

در نهایت با توجه به حجم آراء صادره از این کمیسیون و اهمیت دعاوی مطروحه در آن پیشنهاد می‌شود قانونگذار برای این کمیسیون نسبت به تدوین یک قانون آئین دادرسی مفصل مشتمل بر تشریفات رسیدگی، اصول و قواعد، چگونگی اعتراض به آراء و... اقدام نماید تا از بروز مشکلات و تفسیرهای گوناگون ممانعت به عمل آید.

منابع

- انصاری، ولی‌الله، ۱۳۸۹، **کلیات حقوق اداری**: از لحاظ نظری، عملی و تطبیقی، چاپ هشتم، تهران، انتشارات میزان.
- رحمانی، محمدعلی، ۱۳۹۶، نقش و جایگاه نیروهای مسلح در تحقق دولت اسلامی مبتنی بر منظومه فکری امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، **فصلنامه بصیرت و تربیت اسلامی**، شماره ۴۰.
- رستمی، ولی و عامری، معصومه، ۱۳۹۵، شهرداری در نظام حقوقی ایران و فرانسه، **فصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی**، دوره ۷، شماره ۱.
- زرگوش، مشتاق، ۱۳۹۱، **تملك املاك، شبه تملك‌ها و سلب مالکیت از سرمایه‌ها توسط دولت**، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل.
- سعیدی، محمدعلی و مفتخری، مهدی، ۱۳۹۷، نگرشی بر ماده ۳۸ اصلاحی آئین‌نامه معاملات شهرداری تهران و تسری آن به کلانشهرها، **فصلنامه تحقیقات حقوقی**، دوره ۲۱، شماره ۸۱.

۲۴- اصل یکصدوسی و نهم: صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد، موقوف به تصویب هیأت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس نیز برسد. موارد مهم را قانون تعیین می‌کند.

۲۵- ماده ۴۵۷: ارجاع دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی به داوری پس از تصویب هیأت وزیران و اطلاع مجلس شورای اسلامی صورت می‌گیرد. در مواردی که طرف دعوا خارجی و یا موضوع دعوا از موضوعاتی باشد که قانون آن را مهم تشخیص داده، تصویب مجلس شورای اسلامی نیز ضروری است.

- شریفی، مهدی، ۱۳۹۷، **تحلیل صلاحیت و نحوه رسیدگی هیات حل اختلاف موضوع ماده ۳۸ آئین‌نامه معاملات شهرداری**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق.
- شکری، نادر و عسکری آزاد، محمود، ۱۳۹۲، **مجموعه کامل قوانین شهرداری‌ها**، مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران، چاپ اول، تهران، انتشارات سازمان معین ادارات.
- شهیدی، مهدی، ۱۳۸۱، **سقوط تعهدات**، تهران، انتشارات مجد.
- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، ۱۳۹۰، **حقوق اداری**، تهران، انتشارات سمت.
- قاسمی، داوود و ذکریایی، راویه، ۱۳۹۰، **خرید و فروش اموال دولتی و عمومی**، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
- کرمی، حامد و مختاری دستنائی، امین، ۱۳۹۶، **حقوق حاکم بر اموال نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران**، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۸۰.
- لطفی قلعه‌جوق، محمد، ۱۳۹۸، **ماهیت کمیسیون ماده ۳۸ آئین‌نامه معاملات شهرداری و کارکردهای آن**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه پیام نور مرکز تهران جنوب.
- محمدی، حمید، ۱۳۸۵، **عدالت قضایی در احکام قضات: نمونه آراء و احکام رسول خدا (ص)**، ائمه معصومین (ع)، خلفاء، قضات و فقهاء مسلمان: با ترجمه و متن عربی، چاپ اول، تهران، انتشارات حقوقی.
- مردانی، نادر و رودی جانی، محمدمجتبی، ۱۳۸۵، **استثنائات وارده بر توقیف اموال در قانون اجرای احکام مدنی، مجله کانون و کلا، شماره ۱۹۲ و ۱۹۳.**
- ناجی، مرتضی، ۱۳۸۵، **بی طرفی در دادرسی کیفری**، **مجله حقوقی دادگستری**، شماره ۵۶ و ۵۷.
- ورمزیار، محمد، ۱۳۹۲، **مقایسه هیات حل اختلاف ماده ۳۸ اصلاحی آئین‌نامه معاملات شهرداری با نهاد داوری در آینه یک رای (دادنامه ۱۶۵۶ شعبه ۱۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران)**، **فصلنامه رأی**، شماره ۲.
- هداوند، مهدی، ۱۳۸۹، **حقوق اداری تطبیقی**، جلد اول، تهران، انتشارات سمت.

قوانین

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- قانون شهرداری‌ها مصوب ۱۳۳۴ اصلاحی ۱۳۴۵/۱۱/۲۷
- آئین‌نامه معاملات دولتی مصوب ۱۳۴۹
- آئین‌نامه معاملات شهرداری تهران مصوب ۱۳۵۵/۰۱/۲۵
- قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶
- لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷
- قانون نحوه پرداخت محکوم‌به دولت و عدم تأمین و توقیف اموال دولتی مصوب ۱۳۶۵/۰۸/۱۵

- قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶
- قانون اجازه تشکیل شرکت های عمرانی و خدمات فنی به وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۳
- قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹
- قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹
- قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰
- قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳
- قانون برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۳
- قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶
- رأی وحدت رویه شماره ۶۹۹ مورخ ۱۳۸۶/۰۳/۲۲ هیأت عمومی دیوان عالی کشور
- قانون فروش و انتقال پادگان ها و سایر اماکن نیروهای مسلح به خارج از حریم شهرها مصوب ۱۳۸۸
- قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۰
- قانون اصلاح و تسری آئین نامه معاملات شهرداری تهران مصوب ۱۳۵۵ با اصلاحات بعدی به شهرداریهای مراکز استانها، کلانشهرها و شهرهای بالای یک میلیون نفر جمعیت مصوب ۱۳۹۰

Legal Civilization

Biannual No.9/Fall 2021 & Winter 2022

ISSN:2783-1841
ISSN:2783-1922

- Review of Legal Solutions for Mining and Trading of Digital Currencies: Legal Gaps and Solutions*SHima Naderi, Majid Motallebi
- Analysis the Jurisprudential Principles of Torture and Delay at Implementation Preemption *Morteza Rahimi
- Achievements and Challenges of Multiplicity and Recidivism in the Law on Reducing the Punishment of Imprisonment Imposed in 2020 with a Practical Approach*Abolfath KHaleghi, Zahra Mirzaei
- Review of Technology Transfer Contract in Iranian Subject Law*Afshin Mojahed
- Explain the Principle of Information in the Light of the Previous Consent Procedure of the Rotterdam 2003 Convention*Mohammad Mobini Far, Marziyeh Fathi Bornaji
- The Position of Dispute Resolution Commissions in Lawsuits between the Islamic Revolutionary Guard Corps and Tehran Municipality*Mohammadreza Yazdi, Mojtaba Salek Razi
- the effects and conditions of retrial in Iranian and French lawani, Mohammad Reza Burbur
- Effects of Divorce on the Law of Iran, France and the United Kingdom *Maisam Sobhani
- Analysis of Child Rights in Iran: Review of the National Body Convention of Rights of Child Based on the Universal Convention of the Rights of the Child *Maryam SHA'ban
- The Relationship between Insult and Freedom of Expression in the Light of the Islamic Penal Code and the Press Law*Amirhossein GHazaei Alamdari
- Principles and Rules Governing Professional Ethics in the Legal Profession *Rostam Ali Akbari, Yasser SHakeri
- Religious Pluralism in the Islamic Penal Code*Mohsen Hamidipour
- Effects and Conditions of Absentee Proceedings in Iranian and French Law Sayyed Jafar Hashemi Bajegani, Mostafa Afzali Goroh
- Criminal Responsibility of Governments for Environmental Crime in the Light of Regional and International Cooperations*Sajad Tayebi
- Analysis of the performance of the International Court of Justice in the case of violation of the 1955 Amity Agreement between the Islamic Republic of Iran and the United States of America*Mohammad Setayesh Pur, Eisa Poodat
- Conceptual and Philosophical Challenges of Terrorism in Confrontation of Human Rights Nourooz Kargari
- Economic Analysis of the Externality of Property use by Comparative Study of Iranian Law Yadullah Dadgar, Akram Ehsani
- Functions and Challenges of Mediation in Iran (Looking at Some European Countries and International Documents)*Sayyed Abbas Mousavi
- Privacy in the Legal System of Iran and Islam*Ali Akbari, Mahdi Falahian
- Prisoners' Rights from the Perspective of Imami Jurisprudence and Iranian Law with a look at International Documents*Gholamreza Izadpanah, Vajehe Izadpanah
- Analysis of the Assassination of Iranian Nuclear Scientists from the Perspective of Domestic and International Law*Mohammad Khalil Salehi, Mohammad Salmani Farahmand
- Effects of Life Insurance Contract from the Perspective of Imami Jurisprudence and Iranian Law Sayyed Sajad Khalooei Tafti
- Protecting Agency Judges in an Age of Politicization: Evaluating Judicial Independence and Decisional Confidence in Administrative Adjudications*Reza Tajarlou, Mohammad Javad Shafaghi, Fatemeh Mafi
- the Rights of Victims and Offenders in the French Criminal Procedure Criticisms and Challenges Sadegh Fetili, Ebrahim Moghdam
- Review and Analysis of the Obligation to Observe Caution in Common Law Rezahosain Gandomkar, Farzad Karami kolmoti
- A Comparative Study of Crime Cost Assessment in Criminal Law and Shiite Jurisprudence Esmaeil Kashkoulain, Mahdi Naghavi
- An Introduction to the Theory of Legal Personality in Imami Jurisprudence*Sayyed Alireza Amin
- Examining the Pillars of Civil Liability of Municipalities in Judicial Procedure Sayyed Vahid Mirmezami, Faezeh Bahador
- Compensation for Innocent Convicts in the Law of Iran and America Ahmadreza Kenarkoohi, Salameh Abolhasani
- Research on the Importance of Offer in Iranian Civil Law and the UNIDROIT Principles Morteza Javan Sarand